

## اگر دریا را دوست داری باید به امواج ویرانگرش احترام بگذاری

### آیت‌الله منتظری، ترجمان نسل در جست‌وجوی رهایی



سر مقاله  
اعظم طالقانی

مردم را رعیت توصیف می‌کند به تبیین حقوق شهروندی، ارزش کرامت ذاتی انسان، آزادی و اختیار و حق انسان برای تعیین سرنوشت و انتخاب در زندگی با استناد به آموزه‌های اسلامی پرداخته و نظرات فقهی خودشان را ارائه داده‌اند.»

در کتاب رساله حقوق اساسی نظرات فقهی خود را این‌طور بیان می‌کنند: «در حقوق اساسی و بنیادین، انسان محصول ضرورت‌ها و مقتضیات خاص اجتماعی و شرایط زمانی و مکانی نیست، چرا که اینگونه حقوق همچون حق تعیین سرنوشت، حق حیات، حق معیشت و زندگی سالم، حق آزادی اندیشه و بیان، حق امنیت فردی و اجتماعی قبل از هر چیز حقوق فطری هستند و لذا فی‌نفسه ثابت و غیرقابل سلب ذاتی است و انسان‌ها به‌خاطر انسان بودنشان و به‌دلیل کرامت ذاتی انسانی باید از آنها برخوردار شوند. این‌گونه حقوق ریشه در قانون‌گذاری با اراده حکومت را ندارد، بلکه ریشه، در فطرت انسان داشته و از بدیهیات عقلی و عملی به‌شمار می‌آیند.» (رساله حقوق ص ۱) او از رجال عدالتخواه و آزادیخواه بود و گذر زمان نشان داد که ایشان مصلحت‌اندیشی شخصی را فدای عقیده و آرمانش می‌نمود و بازگشت به مجلس درس و بحث را بر ماندن بر قدرت ترجیح می‌داد.

نسل امروز نسلی است که دنیا را از دریچه ماهواره‌های سراسری در قاب تلویزیون دیده است؛ شاه، صدام، ریگان، تاج‌ر و گورباچف را ناظر بوده و جنگ عراق علیه ایران را از یاد نبرده است؛ هنوز خاطره بمباران و موشک‌باران را فراموش نکرده و با خاطره‌های مثبت و منفی زندگی کرده است. پیرمرد رنج‌کشیده انقلابی هم بخشی از نوستالژی‌های نوجوانی این نسل است. پیام‌های پیرمرد بوی امید و دوستی و رحمت می‌داده و برایش امیدبخش بوده است و بالاخره چنین شد که ملت در انتخابات دوم خرداد ۷۶ حماسه‌ای آفرید که حقا مبدا تاریخی تحولات اجتماعی و سیاسی گردید و همان نسل خود، پیر و مرشد زمان گردید و در نگاه و قضاوت، محصور نظرات رسمی زمان نگردید. تاریخچه زندگی آیت‌الله منتظری قصه همان نسلی است که در پی رهایی بود، اما خود بسیاری از سال‌های زندگی‌اش را در حبس و حصر گذراند و این تنها در توان انسان‌های کمال‌طلب است و در این نگاه متصف به صفت آزادگی شده است. در واقع نسلی است که این ضرب‌المثل شامل اوست «غلام همت آنم که زیر چرخ کبود ز هر چه رنگ تعلق پذیرد آزاد است!!»، واقعیت امر آن است که خانواده ایشان سالها رنج برده، خون دل خورده و سعی کرده‌اند همان‌طور که آن مرجع عالیقدر می‌خواست از چارچوب قانون، دین و اخلاق خارج نشوند. ایشان در کتاب خاطراتش حقایق و مستنداتی را بیان کرده که امروزه کسی که چشم و گوشش حس پرواگیری ندارد بر نمی‌تابد.

او به‌مصداق آیه: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَ صَابِرُوا وَ رَابِطُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ.** آیه ۲۰۰ سوره آل عمران، همان نقطه پایانی زندگی را هدف گرفته بود و خدای یکتای بنده‌نواز و رهایی‌بخش وی را از بند رنج‌های خلاق آزاد کرد.

۲۹ آذرماه سال هشتاد و هشت، قم، حسینعلی منتظری

با نام آیت‌الله منتظری حدوداً از سال ۱۳۵۰ آشنا شدم و در ملاقات‌های حضوری همراه آیت‌الله طالقانی یا پشت میله‌های زندان ایشان را زیارت می‌کردم. در سال ۱۳۵۴ که بازداشت شدم آیت‌الله طالقانی را هم پس از پنج ماه مجدداً بازداشت کردند. از زبان پدر به‌طور مکرر وصف‌الحال ایشان را که دچار تشنج شدید شده بودند را می‌شنیدم. در سال ۱۳۵۶ که با تلاش حامیان حقوق بشر، کمیته حقوق بشر تشکیل شده بود نمایندگانش را برای بازدید از زندان‌های ایران فرستاده بودند. آیت‌الله طالقانی می‌گفتند که آیت‌الله منتظری در سلول انفرادی بودند؛ نمایندگان حقوق بشر از سلول ایشان بازدید می‌کنند و از وی سوال می‌گویند که آیا شکنجه شده‌اید؟! ایشان به زبان انگلیسی اظهار می‌دارد از من سوال نکنید! و آنها در پاسخ می‌گویند که نیاز به توضیح ندارند. (یعنی فهمیدیم) و این درحالی بود که بر اثر شکنجه گوش ایشان مدت شش ماه بود که از عفونت رنج می‌برد.

#### آنچه تاریخ شاهد آن است

آیت‌الله منتظری مدتی در کردستان تبعید بود و نهایتاً به‌خاطر حمایت از نهضت روحانیت و روش آیت‌الله خمینی به ۱۰ سال زندان محکوم شد و در آبان ۱۳۵۷ در پی اوج مبارزات ملت ایران علیه استبداد، هم‌زمان با آیت‌الله طالقانی از زندان آزاد شدند و مورد استقبال وسیع مردم قرار گرفتند. ناگفته نماند که ایشان در سال ۱۳۴۵ با فرزندش برای اولین بار در قم بازداشت شدند. زندان و تبعید ایشان در مسجد سلیمان، نجف آباد، طیس، خلخال و سقز بود. او نشان داد که مصلحت‌اندیشی شخصی را فدای عقیده و آرمانش می‌کند و برگشت به مجلس درس و بحث را بر ماندن در کوران کشمکش‌های سیاسی ترجیح داد.

#### بعد از انقلاب و شهادت تاریخ

انتصاب آیت‌الله منتظری پس از درگذشت آیت‌الله طالقانی به‌سمت امام‌جمعه تهران و انتصاب ایشان به سمت رئیس مجلس خبرگان قانون اساسی و سمت قائم‌مقامی رهبری توسط مجلس خبرگان و مواضع و ایستادگی آن مرحوم در قبال انحرافات و برخی رفتارهای به‌دور از تقوا از جمله احکام صادره در دهه ۶۰ منجر به عزل ایشان از قائم‌مقامی رهبری شد. خاطرات ایشان سراسر دغدغه و نگرانی در انجام امور سیاسی و رفتار به‌دور از شأن جمهوری اسلامی با مخالفان بود که از آن رنج می‌برد. مجموع اظهارنظرها، مواضع، وقایع دوران مهم و آثار فکری و پژوهشی آن مرد انقلابی بخش مهم و راهبردی زندگی ایشان را تشکیل می‌دهد، پژوهش‌های قرآنی و منابع علمی ایشان راه را برای تلاش و سعی عالمان و پژوهشگران حوزه‌های علمیه مرتفع کرد. سخنان ایشان بخصوص آرا و نظریات وی در مکتوبات و آثارشان عبارتند از رساله حقوق - حکومت دینی و حقوق انسان - و اسلام دین فطرت که نتیجه تحقیقات ایشان و پاسخ به مهمترین مسائلی است که جمهوری اسلامی بعد از انقلاب با آنها روبه‌رو بوده است. در این آثار آیت‌الله منتظری با شجاعت و صراحت در مقابل دیدگاهی که